



زمینه های خرافات دینی در جامعه/ ذهنیت سازی نسبت به مسائل دینی وظیفه اندیشمندان است

یک فعال حوزه فرهنگی با تأکید بر اینکه ذهنیت سازی جامعه در رابطه با مبانی دینی و مناسک آئینی به عهده عالمان است، گفت: اگر گاهی ما نسبت به مداحان یا هیئات و یا برخی از رفتارهای جامعه انتقاد داریم...

یک فعال حوزه فرهنگی با تأکید بر اینکه ذهنیت سازی جامعه در رابطه با مبانی دینی و مناسک آئینی به عهده عالمان است، گفت: اگر گاهی ما نسبت به مداحان یا هیئات و یا برخی از رفتارهای جامعه انتقاد داریم بد نیست برگردیم و آسیب و آفت این ذهنیت سازی ها را در حوزه اندیشمندان و عالمان جامعه پیگیری کنیم چون بخشی از این مسئله، خروجی کم کاری و کم توجهی از این ناحیه است. حجت الاسلام مرتضی وافی معاون فرهنگی سابق مسجد جمکران و از پژوهشگران دینی کشورمان درباره زمینه های ایجاد خرافات دینی به خبرنگار مهر، گفت: در مناسک آئینی جامعه و رفتارهای به طور خاص مذهبی و دینی افراد، باید ما سه گام را در فضای جامعه برداریم تا حرکت های دینی و مناسک آئینی اصالت و حقیقت خودش را از دست ندهد.

وی افزود: گام اول ذهنیت سازی صحیح است؛ اگر ذهنیتهای جامعه نسبت به باورها و مباحث دینی درست شکل بگیرد، ما گام دوم را در جامعه طی خواهیم کرد و آن بحث نگاه و بینش است. یعنی ذهنیتهای انسانهاست که تلقی و زاویه دیدشان را نسبت به یک موضوع شکل می دهد. این گام دوم که تنظیم نگاه و بینش جامعه نسبت به یک موضوع است، امری جدی است.

این پژوهشگر فرهنگی تصریح کرد: اگر نگاه و بینش انسانها درست شکل بگیرد ما به گام سوم وارد می شویم و آن در حقیقت زبان رفتاری جامعه است. از نگاه مردم شناسانه، آنچه در حوزه رفتار اتفاق می افتد، بر بینش و نگاه افراد جامعه تکیه دارد و شکل گیری آن بینش و نگاه بر اساس ذهنیتهایی است که در جامعه شکل گرفته است؛ این سه گام به نظم سه گام برای یک حرکت موفق با اصالت و حقیقی در فضای فرهنگی به ویژه در مبانی دینی جامعه است.

حجت الاسلام وافی یادآور شد: مثلاً در جریان امامت، اگر ذهنیت افراد جامعه نسبت به خود مسئله امامت و نیز علم امام درست شکل نگیرد ما در نوع نگاه و بینش و رفتارمان با مشکل مواجه می شویم. یعنی اگر ما امام را مافوق انسان بدانیم نه انسان مافوق- درست اش این است که امام انسان مافوق است که استاد مطهری از آن به انسان کامل تعبیر می کند- آنگاه بسیاری از ذهنیتهای غلط پاک می شود.

وی ائمه را انسانهای مافوق خواند و تأکید کرد: اگر ما امامان را مافوق انسان بدانیم و ذهنیتمان اینگونه شکل گیرد دیگر آنها برای ما الگو نخواهند بود چون آنها مافوق انسان می شوند، و به حسب ظاهر انسان نیستند تا به عنوان الگو به آنها بنگریم. اما اگر ائمه را انسان مافوق بدانیم زمینه الگوگیری برای آحاد جامعه فراهم است چون در بخشهایی از زندگی شان به اذن الله علم امامتشان با آن ویژگی ها و توانایی های خاصشان آشکار می شود و در بسیاری از مواقع مثل انسانهای معمولی به حسب ظاهر در میان جامعه زندگی می کنند، اگر اینگونه نگاه کنیم به عنوان مصداق درباره حضرت سیدالشهدا(ع)، آنگاه می توانیم درک کنیم که چگونه می شود همان امامی که در پیش از عاشورا اشاره به زمین می کند و آب می جوشد، همان امام عصر عاشورا جگرش از تشنگی می سوزد. یعنی در یک جایی همان علم و قدرت را دارد اما اذن استفاده از آن، توان و علم را ندارد. ببینید این بینش صحیح در حوزه خروجی کار و در رفتار چگونه نگاه ما را نسبت به مسئله امامت تنظیم می کند.

این فعال دینی و فرهنگی افزود: مثال دیگر را عنوان می کنم؛ اگر ذهنیت جامعه به سمت این برود که ما امام حسین(ع) را مظهر قیام بدانیم و امام حسن(ع) را مظهر قعود و صبر و سکوت بدانیم، برای الگوگیری از ائمه در بینش و نیز در حوزه رفتارمان با مشکلات بسیاری روبرو خواهیم شد. در حالیکه اگر شما به تاریخ مراجعه کنید، تاریخ این ذهنیت را درست شکل می دهد یعنی پس از شهادت امیرالمؤمنین(ع) در سال 40 حضرت امام مجتبی(ع)، 6 ماه اول را قیام کردند و جنگیدند و 10 سال در صلح و سکوت و صبر بودند، و حضرت سیدالشهدا(ع) از سال 50 که امام حسن(ع) به شهادت رسیدند، 10 سال را در صلح و سکوت و صبر بودند و 6 ماه آخر را جنگیدند. ذهنیت درست این است که قیام و قعود سیدالشهدا(ع) و امام مجتبی(ع) به یک اندازه بوده است، هر دو به حسب ظاهر 6 ماه قیام داشتند و 10 سال در سکوت و صبر بودند. اما در جامعه ببینید چگونه ذهنیتهای شکل گرفته است؟ در نقطه بیرونی با این ذهنیت نگاهمان نسبت به امام حسن(ع) و امام حسین(ع) متفاوت می شود و نوع رفتار و برخوردمان با این دو امام متفاوت می شود، این مصداق را به عنوان مثال بیان کردم که چگونه اگر ذهنیتهای درست شکل گیرد ما در بینشها و طرز تلقی های جامعه و بعد در حوزه رفتار جامعه به مباحث دیگری می رسیم.

حجت الاسلام وافی تصریح کرد: اگر نسبت به مسئله امامت ذهنیت درست شود ما در بینش و نگاه به دریافت دیگری می

رسیم، مثلاً در نوع توسل‌مان به ساحت مقدس امام به سه بینش و نگاه می‌رسیم، مثلاً به اینکه هیچ‌جا از وجود مبارک آنها خالی نیست زیارت رضویه این است که "لا تعطیل لها فی کل مکان..." اگر بینش و تلقی ما این بشود که ائمه اطهار(ع) و وجود نازنین امام زمان(عج) هیچ‌جا از وجود مبارک شان خالی نیست این بینش صحیح وقتی اتفاق افتاد دیگر در مرحله رفتار با مشکل برنمی‌خوریم که در مجالس‌مان مثلاً بگوییم "صدا بزنی‌م آقا بیاید!". اینکه مثلاً گفته می‌شود یک توجه خاص به فلان جلسه پیدا می‌کند، این بحث دیگری است. ببینید چگونه مباحث در حوزه رفتار خود را نشان می‌دهد. اگر این ذهنیت نسبت به وجود امام در درون ما به وجود بیاید آن وقت اگر کسی ادعا کند که در یک جایی ایشان آمدند، تعجب برانگیز می‌شود؛ چون بینش صحیح این است که ائمه(ع) همه‌جا ناظر رفتار و اعمال ما هستند.

معاون فرهنگی سابق مسجد جمکران درباره وظیفه دستگاه‌های فرهنگی و دینی در رفع این خرافات دینی و ایجاد یک ذهنیت صحیح اعتقادی در جامعه گفت: بر اساس این سه گام مسئولیت‌ها تقسیم می‌شود، حداقل می‌توانم بگویم اکثر وظایف مشخص می‌شود، گام اول یعنی ذهنیت‌سازی جامعه در رابطه با مبانی دینی و مناسک آئینی به عهده عالمان است، چه در حوزه و چه در دانشگاه، اگر گاهی ما نسبت به مداحان یا هیئات و یا برخی از رفتارهای جامعه انتقاد داریم بد نیست برگردیم و آسیب و آفت این ذهنیت‌سازی‌ها را در حوزه اندیشمندان و عالمان جامعه پیگیری کنیم چون بخشی از این مسئله، خروجی کم‌کاری و کم‌توجهی از این ناحیه است. ذهنیت‌سازی و ذهنیت بخشی قریب به اتفاقش بلکه مأموریت اصلی اش بر عهده عالمان و متفکران جامعه است. اگر آنجا کم‌کاری و بی‌توجهی نشود، ما دچار برخی از مسائل در حوزه رفتار جامعه، نخواهیم بود.

وی افزود: گام دوم یعنی بینش‌ها و نگاه‌ها بر عهده متولیان فرهنگی و حاکمیت و نظام است. چه در بعد حمایت و چه در بعد تبلیغ و ترویج و چه در بعد نظارت این مسئولیت حاکمیت پررنگ است. تلقی‌ها و بینش‌ها را مجموعه‌های آموزشی و فرهنگی و پژوهشی که به نوعی در فضای حکومت در جامعه مسئولیت دارند، باید دنبال کنند. اگر مجموعه‌های ترویجی و آموزشی و متولیان فرهنگی جامعه در آگاهی بخشی و تنظیم بینش‌ها و حمایت از توسعه نگاه جامعه به مبانی دینی کار کنند ما در گام سوم یعنی رفتارهای آمیخته با خرافات و بدعتها و مناسک آئینی توأم با آسیب‌ها و تهدیدات با کمترین مشکل مواجه خواهیم بود.

وی یادآور شد: گام سوم یعنی حوزه رفتار را باید به جامعه واگذار کنیم. اگر دو گام قبل را ما درست طی کنیم، جامعه فضای خود را پیدا کرده و نوگرایی ایجاد می‌شود و تجدید مناسک آئینی را بر اساس فرهنگ‌ها و اخلاق بومی جامعه و آداب و سنن و عرف شکل می‌دهد، در این صورت ما با تنوع رفتارها و مناسک آئینی با رعایت اصول و موازین مواجه خواهیم بود و با رشد و اقبال جامعه به ویژه نسل جوان به مناسک آئینی مواجه خواهیم بود و این مسئله بسته شدن راه برخی تفکرات انحرافی و التقاطی و عرفانه‌های نوظهور را در پی دارد و اتفاقات بسیار خوبی در گام سوم رقم خواهد خورد.

حجت الاسلام وافی در پایان تصریح کرد: ذهنیت بخشی و آگاهی بخشی زمینه بروز رفتارهای صحیح در جامعه در حوزه مباحث دینی خواهد بود. اگر این سه گام را در یک تقسیم‌بندی و شرح وظایف درست در جامعه بتوانیم شکل دهیم ما با حداقل خرافات و بدعتها و تهدیدات و آسیب‌ها در حوزه مناسک آئینی و رفتارهای دینی به ویژه رفتارهای جنبی در جامعه مواجه خواهیم بود.